



حزب کمونیست کارگری - حکمیتست

۶ فروردین ۱۳۸۹
۲۶ مارس ۲۰۱۰

اسد گلچینی

تحریم های اقتصادی طرحی فاشیستی بر علیه کارگران و مردم ستم دیده ایران

در حالی که رایزنی برای توافق بر سر تحریم های "هدفمند" و "معنی دار" اقتصادی ایران ادامه دارد، مقدمات تحریم ها فراهم و بخشا اجرا شده است و مردم محروم در ایران مصیبت های بسیار بیشتری در انتظارشان است. سلبه دهشتناک تحریم های اقتصادی، بر مصیبتها و جرم و جنایت جمهوری اسلامی و دقیقا است برای ماندگار کردن جنایتان حاکم که مردم را در زندانی به وسعت ایران به گروگان گرفته اند. مانند همیشه قدرت های بزرگ اقتصادی و نظامی جهان برای کمک به طبقه حاکمه و رام کردن بخشهای سرکش حکومت کنندگان آن به میدان میایند. اما عوارض تصمیمات آنها مثل همیشه طبقات محروم جامعه را عملا هدف قرار میدهد، تصمیمات آنها عملا زندگی طبقه و نسلی را با مخاطره طرف میکند که خواهان اینجا تغییرات بنیادی است.

ثریا شهبازی

موریانه های شکارچی از انتخابات خرداد تا هشت مارس ۱۳۸۸

"مردم ایران عواقب بیعت کرنهها و بند و بستهای کثیف سیاسی جریانات و شخصیتهای اپوزیسیون ملی و سنتی با خمینی و جریان اسلامی را که به عقیم مانند انقلاب مردم و روی کار آمدن حکومت خونین اسلامی منجر شد دیده اند، مردم ایران بهای سنگین عوامفریبی ها و صحنه سازی های مجاهدین و جریانات ناسیونال اسلامی در دفاع از بنی صدر اولین رئیس جمهور ارتجاع اسلامی را با جان باختن دهها هزار تن از شریف ترین مبارزان راه آزادی پرداخته اند، مردم اقتضاح سیاستهای ضد مردمی و ارتجاعی حزب توده و اکثریت "پیرو خط امام" را به روشنی دیده اند. مردم مضحکه "اسلام میانه رو پرزینت رفسنجانی" را فراموش نکرده اند."

انتخاب خاتمی و عروج مجدد، "اپوزیسیون طرفدار رژیم"، منصور حکمت

مظفر محمدی

به یاد کمونیست های گردان شوان

بیش از دو دهه از جنایت رژیم عراق و بمباران شیمیایی شهر حلبچه می گذرد. جنایتی که به کشتار چند هزار انسان از زن و مرد و پیر و جوان و کودک و زخمی شدن هزاران تن دیگر انجامید. مردم بی گناهی که قربانی جنگ ارتجاعی رژیم های سرمایه داری عراق و ایران شدند. جنگ ارتجاعی بورژوازی منطقه که مدت يك دهه دامن کارگران و مردم زحمتکش ایران و عراق را گرفت، علاوه بر جنایت هولناک حلبچه، مردم هر دو کشور را در ابعاد میلیونی بی خانمان، کشتار و قربانی اهداف پلید خود کرد. جمهوری اسلامی این جنگ را برکت الهی نامید و هنوز هم نان سفره و حرمت میلیون ها انسان از خانواده کشته شدگان و آسیب دیدگان جنگ را در خدمت اهداف

کارگران جهان متحد شوید!

موریانه ها حشراتی هستند که بنی نرم دارند، به کندی حرکت می کنند، و به حکم طبیعت تا پایان عمر در دژ تاریکی که محل اجتماع آنهاست به سر می برند، زیرا در روشنی آفتاب و فضای باز یارای ایستادگی ندارند. در عالم سیاست در ایران این ویژگی طیف توده - اکثریت، شاخه هایشان در جنبش زنان و دگراندیشان این الوقت و بطور کلی طرفدار اصلاح جمهوری اسلامی و جریانات ملی، مذهبی، در اپوزیسیون است. هرگاه در مبارزه و رابطه مردم، طبقه کارگر، زنان و محرومین با دشمنانشان، گوشه های تاریک، لحظات "تاروشن"، و درز و شکافی بوجود آید، این موریانه های سیاسی تپه های رفیع شان را میسازند.

یکی از نمونه های برجسته مهندسی عمارات جدید این موریانه ها، تحرک نوره خرداد تا اسفند ۸۸ (انتخابات و عروج سبز، تا هشت مارس) است. مقطعی که ملی مذهبی ها، خاتم های فعل در کمپین یک میلیون امضا، "مطالبه محوریها"، و سازمانها و شخصیت های اپوزیسیون پرو رژیم (راست و چپ)، برای حمایت از یک تحرک تا مغز استخوان ارتجاعی - اسلامی و ضد زن، جنیدی بود از "شکار تائیه صفحه ۲

سیاسی و حاکمیت ننگیش، گرو گرفته کارگر و زحمتکش و زنان و مردان آزادیخواه آن ها را نوست و دلسوز و جزئی از نیروی خود می دانستند. پیروزیهایشان را پیروزی خود و شکستهایشان را شکست خود قلمداد می کردند. کارگران در کردستان گردانی از لشکر طبقاتی خود را از دست دادند. اما خاطره و یاد و اهمیت جایگاه اجتماعی و انسانی این کمونیست ها تا هم اکنون هم در جامعه کردستان زنده است. هنوز نسل باقیمانده از آن دوران در میان زحمتکشان کردستان از بچه های گردان شوان برای فرزندانشان تعریف می کنند و چه بسا افسانه می سازند.

این رمز پیروزی کمونیسم در دوره ای است که چنان با جامعه و خواسته های انسانی و آزادیخواهی و برابری طلبی اش عجین است که جدا کردنشان از هم برای دشمن غیرممکن است. حذف يك گردان از کمونیست های پیگیر و دوست کارگران و مردم زحمتکش، مثل کندن صفحه ۳

<p>سیف خدایاری</p> <p>کلیسای کاتولیک و سو استفاده جنسی از کودکان</p> <p>صفحه ۴</p>	<p>اعظم کم گویان</p> <p>اعاده حیثیت از مارکس یا از دستگاه مسیحیت؟</p> <p>صفحه ۳</p>	<p>کمیته کردستان حزب حکمیتست</p> <p>حکم اعدام سه نفر توسط "دادگاه" مهاباد محکوم است</p> <p>صفحه ۳</p>	<p>سنتی هویر، رئیس اکثریت دمکرات مجلس نمایندگان آمریکا میگوید تحریم های اقتصادی را برای تغییر رفتار حکومت در ایران بکار میگیرند.</p> <p>کوشنر وزیر خارجه</p> <p>صفحه ۲</p>
---	--	--	--

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

موریا نه های شکارچی ...

دارند.

نوشین احمدی خراسانی، با آنطور که خود اعتراف میکند این "شکارچی ثانیه ها" کسی که وارث به حق این وقتی حزب توده است، به فراخور منفعت روز و برای حفظ وبلاگ و نشریه قانونی اش به هر معامله ای تن میدهد. یک روز زیر چارقد و برقه زهرا

رهورد بنبنال حقوق اسلامی - فمینیستی خود است و روز دیگر زیر عای آیت الله صائعی بنبنال حقوق مدنی مردم! از ملزومات تحقق پروژه خاتم خراسانی برای تحمیل این عقب گرد عظیم به جنبش دفاع از حقوق زنان، حمله به کمونیست ها، چپ و رادیکالیسم در جامعه بود. او در مقابل رادیکالیسم چپ در جامعه و علیه طبقه کارگر، مدهوش "طبقه متوسطی" که قادر نیست کمترین مطالبه انسانی برای هیچ بخشی از مردم به بار بیورد، نوشت و تاریخ را قلب کرد. دروغ گفت تا "رهبری طبقه متوسط" را زنده کند. عروج زهرا رهورد بر مسند رهبری جنبش خاتم خراسانی، عین پیروزی خط خاتم های فمینیست - اسلامی و طبقه شان است.

جنبش و رهبرانی که هشت مارس را در تهران، در جامعه ای تشنه سکولاریسم و برابری زن و مرد، زیر برقه زهرا رهورد لجن مال کردند، ضربه عظیمی به جنبش دفاع از حق زن در ایران زدند. کسی که می بایست بعنوان یکی از رهبران تحمیل حجاب و آپارتاید جنسی در ایران مورد اعتراض مدافعین حق زن قرار میگرفت، کسی که می بایست با هزاران تخفیف به خاطر شرکت اش در مهندسی و سازندگی آپارتاید جنسی از مردم ایران تقاضای بخشش میکرد، را بعنوان "رهبر" به سکوی خطابه هشت مارس عروج دادند!

هشت مارس امسال در تهران محصول مستقیم تئوریا و فعالیت های امثال نوشین احمدی خراسانی و شرکتش در جنبش ملی مذهبی و در میان طیف "فمینیست های - اسلامی" در حمایت دست راستی ترین میبیا های غرب بود. آن را باید بنام ایشان و خانواده سیاسی شان ثبت کرد و مدال آن را برای همیشه برگردنشان آویخت. کسانی که برای دیروزی دریافت اجازه انتشار یک نشریه قانونی، با هر محتوای تھی، زهرا رهورد این شیرازه تجر را به مراسم هشت مارس جلوس میدهند تا از او وعده بگیرند که بلکه آقای موسوی دولت ایران را به امضا "کوانسیون رفع خشونت" با همه تخفیف هایی که به دولتهای مرتجعی چون جمهوری اسلامی میدهند، بکشاند! به این امید که طی ده سال آینده به همت نیلماسی و لایبستم امثال خاتم خراسانی و دوستانشان، و البته به شرط تداوم اختناق و دوام ممنوعیت مبارزه آزادیخواهانه، فضا برای این خاتمهها همچنان باز بماند، تا در مورد کوانسیون میزگرد و گفتمان و همگرایی برای اندازند، و مردم و زنان را یک دهه دیگر چشم انتظار برکات جمهوری اسلامی اصلاح شده، نگاه

تحریم های اقتصادی طرحی...

فرانسه میگوید راه دیگری غیر از تحریم های بیشتر وجود ندارد.

تتلیا هو نخست وزیر اسرائیل هم میگوید که باید تحریم ها مانند تحریم های کوبا باشد که فقط دارو و نان بتواند به این کشور وارد شود.

هم زمان این اقدامات بخشا اجرا شده و یا در دست اجراست: چند شرکت بزرگ بیمه جهان به کار خود در ایران پایان میدهند. بیمه دولتی ایتالیا ضریب ریسک تجاری ایران را افزایش داد، سنای امریکا صادرات بنزین به ایران را تحریم کرد، سه شرکت بزرگ دیگر نفتی صادرات بنزین را قطع کردند و گویا شرکت زمینس هم قرار است از ایران برود و ...

اشتباه است اگر کسی ذره ای به این جنگ همه جانبه بر علیه مردم محروم در ایران توهمی داشته باشد و فکر کند که تحریم ها بر علیه حکومت ایران است. اولین قربانیان این تحریمها طبقه کارگر و مردم محروم این جامعه اند. همه جنگ ها و تحریم ها دست سرمایه داران و رژیمشان را علیه مردم آزادیخواه باز تر میکند و آنها را کت بسته تر و محروم تر میکند و از زندگی بخور نمیر فعلی آنها کاسته و به جیب گشاد سرمایه داران و حکومتشان اضافه میکند. همه این طرح ها مطلقا و سرسوزنی دست حاکمان جنایتکار را از سر مردم در ایران کم نمیکند. کار حکومتگران را برای سرکوب همه آزادیخواهان و کارگران سهل تر میکند. تحریم به ابزاری برای توجیه فلاکتی تبدیل میشود که هم اکنون علیه طبقه کارگر اعمال میشود. دست رژیم و همه سرمایه داران را برای استثمار و سرکوب بیشتر به بهانه تحریم ها بازتر میکند.

از طرح و پیشنهادات فاشیستی بنیامین تتلیا هو که طرحی برای نابودی یک جامعه است، تا طرح برنارد کوشنر سکولار که برای تحریم اقتصادی به بهانه رام کردن رژیمی است که خود شان ۳۰ سال است زیر شانه هایش را گرفته اند، همه بر علیه مردم محروم و مبارزی است که اتفاقا میخواهند این رژیم سر به تنش نباشد.

میگویند راه دیگری ندارند. این بزرگترین دروغ برای پوشاندن "هدفندی" تحریم است. بمب هایی که بر ناکازاکی و هیروشیما هم فرود آمد ظاهرا آخرین راه حل برای تسلیم ژاپن بود! راه حل تحریم نیز حربه موثر گروگان گیران جهانی و سرگردنه گیران بین المللی بر علیه مردم ایران و نه حکومت آن است و دقیقا مشابه

کوبیدن بمب اتم بر سر مردم ایران و زندگی اجتماعیشان است. این ده ها میلیون کودک، زن و مرد، پیرو جوان ، کارگر و زحمتکش واقشار ستم دیده در ایران است که در معرض این بمب تحریم اقتصادی قرار می گیرند و "هوشمندی" این طرح در خفه کردن آنهاست. سرمایه داران و حکومتگراتشان با تکیه بر ثروت و انبوخته و امکاناتشان از این تحریم صدمه ای نخواهند دید.

میگویند راه حلی غیر از این ندارند در حالی که ۳۰ سال است سفارت خانه ها و مراکز متعدد رژیم در خارج از کشور علنا و عملا لانه های طرح جرم و جنایت و ترور در همه دنیا بوده اند و برای تداوم بده و بستان های مالی و تجاری و فرهنگ جنایت و ارتجاع، بیشتر از همیشه فعال هستند.

میگویند راه حلی ندارند در حالی که بنزین را که نیاز روزانه ۷۰ میلیون نفر جمعیت یک کشور است مورد تحریم قرار میدهند و آنها را از دسترسی به همین امکانات ناچیزی که دارند محروم میکنند، آنگاه پلیس بین المللی (انترپول) با چراغ سبز همین قدرتهای بزرگ دنیا و با درخواست جنایتکاران حاکم در ایران، مخالفان رژیم را یکی پس از دیگری وارد لیست "سازمان دهندگان جرم" و "تروریسم" کرده و تحت تعقیب قرار میدهند تا الطاف خود را به جمهوری اسلامی نشان دهند و از هر گونه راه حل غیر خودی در تغییر احتمالی رژیم جلوگیری کنند. میگویند راه دیگری نیست در حالی که همه تکنولوژی پیشرفته خود را برای خفه کردن مردم ایران و بستن کانهای تلویزیونی ماهواره ای و فیلتر شدن انترنت و ... در اختیار جمهوری اسلامی گذاشته اند. تصمیم گیرنده گان تحریم اقتصادی همراه با رژیم جمهوری اسلامی ، بزرگترین دشمنان طبقه کارگر و زحمتکش در ایران هستند. مردم معترضی که اگر زندگی بهتر و رفاه بیشتری داشته باشند، میتوانند نیروی خود را سازمان دهند، خودآگاهی خود را بالا ببرند و ریشه جمهوری اسلامی را با همه دستجات آن از بیخ و بن بکنند.

ابعاد فاجعه عظیمی که در پی تحریم های اقتصادی خواهد آمد را باید دید و همه عوامفریبی ها را افشا کرد. سرمایه داران در همه جا همراه حکومت هایشان دشمنان طبقه کارگر و مردم تحت ستم هستند. ما کمونیستها، طبقه کارگر و مردم آزادیخواه قاطعانه با تحریم های اقتصادی باید مخالفت کنیم.

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

اعظم کم گویان

اعاده حیثیت از مارکس یا از دستگاه مسیحیت؟

اخیرا دستگاه واتیکان و پاپ از کارل مارکس اعاده حیثیت کردند. مارکس نیز به گالیله و داروین و جوردانو برونو و اسکاروایلد و ... پیوست. "روماتو اوزواتور" روزنامه رسمی واتیکان، نقد مارکس از سرمایه داری و "از خود بیگانگی اجتماعی" که بخشهای وسیعی از جوامع بشری را گرفتار خود کرده، را برجسته و از مارکس اعاده حیثیت نمود. اکنون پروفیسورهای الهیات شناسی در دانشگاههای واتیکان و روم تئوریهای مارکس را برای درک نابرابری در درآمد در جوامع سرمایه داری برسمیت شناخته و از آن برای درک و توضیح بحرانهای سرمایه داری و کارکردهای اقتصاد بورژوایی بهره می جویند.

پارسال واتیکان مجسمه گالیله را بعنوان معذرتخواهی از آنچه که این دستگاه مخوف در قرن هفدهم بر سر این دانشمند بزرگ آورد، تهیه و در

دربار خود نصب نمود.

چند سالی است که واتیکان به حقیقتی که داروین به کشف آن نائل آمد یعنی تکامل انسان از میمون اذعان می کند! و مقامات اصلی واتیکان و دستگاه مسیحیت اعلام می کنند که تئوری تکامل داروین با ایمان مسیحی خوانایی دارد!

سال آینده نوبت کیست؟

در سال ۲۰۰۰ نیز پاپ ژان پل دوم پیشوای کلیسای کاتولیک، ۲۰۰۰ سال خونریزی، کشتار، تفتیش عقاید، جنگهای صلیبی، قرنها ستم بر مردم محروم و فقیر، سوزاندن زنان، آزاداندیشان و دانشمندان بعنوان جادوگر و صدها جنایت فجیع دیگر را بدون نام بردن از آنها، "اشتیاهات" گذشته کلیسای کاتولیک خواند و بخاطر آنها از درگاه خدا و نه حتی مردم! طلب مغفرت کرد.

پاپ از خدا تقاضا کرد که هفت دسته از گناهان کلیسای کاتولیک را ببخشد و آنها را اینطور دسته بندی کرد: گناهای که در خدمت "حقیقت" مسیحیت ارتکاب شده اند، تفرقه افکنی در بین مسیحیان، علیه یهودیان، بی احترامی به عشق و صلح و فرهنگهای متفاوت،

علیه حرمت زنان، علیه اقلیتهای قومی و مذهبی، بر ضد حقوق بشر، و رفتار کلیسا در ثروت اندوزی و زورگویی علیه مردم فقیر.

اما بنظر نمی آید که اعاده حیثیت اخیر واتیکان از مارکس دلایل تاکتیکی و مقطعی داشته باشد. میخ مارکس و مارکسیسم بعنوان تئوری و تئوریسین و رهبر کشف حقایق جوامع سرمایه داری آنچنان محکم کوبیده شده که برای دستگاههای اشاعه تحمیق و تاریکی فکری راهی جز اذعان کردن به آن و اعاده حیثیت از آن باقی نگذاشته است.

این در مورد داروین و گالیله هم بخوبی صادق است. ابراز پشیمانی و اعاده حیثیت کردن تنها راه پوشاندن چهره کریه خود اینهاست. این تنها راه اعاده حیثیت از کلیسا و مسیحیت است.

معذرتخواهی ها و اعاده حیثیت کردنهای واتیکان و پاپ برای مشروعیت اخلاقی دادن به مسیحیت و سببتم کلیسا و سلسله مراتب آن و تداوم نفوذ جهمی و ضد بشری این نهادهاست. برای این است که کودکان دبستانی و نسلهای بعد در کتابهای درسی بخوانند که پاپ و مسیحیت طرفدار عدالت و برابری است و از آنچه که این دین در قرون وسطی بر

سرمردم آید که اعاده حیثیت اخیر واتیکان و پاپ برای مشروعیت اخلاقی دادن به مسیحیت و سببتم کلیسا و سلسله مراتب آن و تداوم نفوذ جهمی و ضد بشری این نهادهاست. برای این است که کودکان دبستانی و نسلهای بعد در کتابهای درسی بخوانند که پاپ و مسیحیت طرفدار عدالت و برابری است و از آنچه که این دین در قرون وسطی بر

کردار شوان به آن تعلق داشت، مدت ها است که شعبات مختلفش در ضدیبت با کمونیسم با هم مسابقه گذاشته اند. به این اعتبار بین کمونیست های متشکل در گردان شوان با شعبات مختلف کومه له این دوره يك گسست و فاصله عمیق طبقاتی بوجود آمده است. اکنون جامعه ایران و مبارزه طبقاتی بار دیگر نسلی از کمونیست ها و مبارزینی را می طلبد که رفقای کمونیست گردان شوان با رزمندگی و تصمیم و عجبین شنشنان با جامعه یکی از سبمل و نمونه های آن پس از دو دهه از نوستان کمونیست خود در گردان شوان می کنیم، همراه با این درس تاریخی است که کمونیسم و مبارزه طبقاتی با بورژوازی از هر قماش در حاکمیت یا اپوزیسیون و با

ناسیونالیسم و قوم پرستی و دشمنان مردم سر سازش ندارد. کمونیسمی که رفقای گردان شوان به آن تعلق داشتند، کمونیسم کارگران بود. عزم و اراده و تصمیمی که این رفقا داشتند، جز حذف کامل هر گونه نابرابری و استثمار و برپایی دنیایی بهتر و فارغ از بردگی طبقاتی و تسلط طبقه ای مفت خور بر طبقه کارگر و اکثریت مردم زحمتکش، نبود. این معیار هر سنجشی است که کمونیسم و مبارزه طبقاتی را از جنبش های اجتماعی غیر کارگری و غیر کمونیستی جدا کرده و می کند. این بهترین و انسانی ترین یاد از رفقایمان در گردان شوان است.

یاد رفقای کمونیست گردان شوان گرامی باد!

به یاد کمونیست های ...

پاره ای از بدن جامعه بوژه در کردستان بود. هنوز این زخم التیام نیافته است، چرا که بورژوازی حاکم ایران و دشمن کارگران و زحمتکشان در همه این سال ها تعرض و جنایتش را ادامه و گسترش داده است. در عوض، صف طبقه کارگر و کمونیسم به شدت متفروق و پراکنده است. مضافا بورژوازی حاکم و جدال جناح هیش از طرفی و ناسیونالیسم کرد از طرف دیگر بخشی از نیرویی را که فرصت طلبانه این تاریخ را با خود یدک می کشد ضمیمه و سیاهی لشکر خود کرده است. جریانی که تحت نام کومه له آن دوره،

کمیته کردستان حزب حکمتیست

حکم اعدام سه نفر توسط

"دادگاه" مهاباد محکوم است

جمهوری اسلامی در تداوم سیاست تاکتونی خود در ایجاد جو ارباب و امنیتی کردن فضای جامعه بار دیگر حکم وحشیانه اعدام را برای چند نفر دیگر صادر کرده است. قربانیان این فاجعه سه نفر از اعضای خانواده در شهر ارومیه هستند که بنا به اتهام

مجرمترین جریان، حکومت اسلامی و دفتر و دستک قضائی و دادگاههای آن میباشند. نباید احکام چنین رژیم و دادگاههای از طرف جامعه و جریانات و نهادهای مختلف و انسانیهای شرافتمند تحمل و پذیرفته شود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست این حکم وحشیانه را محکوم میکند و مخالف اعدام و هر شکلی از انیت و آزار زندانیان میباشد. ما مردم شهرهای ارومیه و مهاباد را به اعتراض به این حکم جنایتکارانه و حمایت از این سه نفر محکوم به اعدام

"جرائم اجتماعی" در "دادگاه" کذائی شهر مهاباد محاکمه و به اعدام محکوم شده اند.

این حکم برای یک زن به اسم جازبه درویش زاده و دو فرزند ۱۹ و ۲۱ ساله ایشان به اسامی افسانه و فتح الله درویش زاده صادر شده است.

حکومتی که با جرائمی چون ترور و آدمکشی و جنایت و اعدام در دنیا شناخته شده است، مجرمتر از آن است که حق و صلاحیت صادر کردن چنین احکام وحشیانه ای را داشته باشد.

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

